Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 12, Winter 2021-2022, 1-25
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.31637.1897

A Critical Review on the Book "*Hussain Ibn Musa (AS), His Life, Personality, Sepulcher*"

Mohammad Bagheri*

Saeed Tavoosi Masroor**

Abstract

Hussain ibn Musa ibn Jafar is a famous Alawi person who transmitted some Hadiths from his father Imam Musa al Kazim and his brother, Imam Ali ibn Musa al Rida (A.S). This lofty position and proximity to the Imamate line, caused the construction of some attributed Sepulchers to him in many cities, of which Tabas, located in the east of Iran, has more fame. Ali Akhavan Mahdavi has written a book on this important personality, his life, and his real place of burring. The present study aims to examine the book critically, therefore, tries to introduce and examine the book, then discusses some problems in it and presents suggestions regarding both the form and the content. So, we prepare our study with the use of a descriptive-analytical approach and of course a special usage of the main historical sources to which compare the contents of them. In conclusion, the author reached some important innovations in comparison with similar sources and studies, and it is completely clear by analyzing the content of hadith and genealogy books. Examination of the Akhavan Mahdavi's book showed that although this book has many advantages and has been effective on subsequent works written on this subject, but shortcomings

* PhD Student in Islamic History, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), m84bagheri@gmail.com

** Department of Shia studies and Islamic Philosophy and Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, saeed.tavoosi@atu.ac.ir

Date received: 07/10/2021, Date of acceptance: 23/01/2022



such as lack of research background and critique of sources, the author's little use of Hadith and Rijal sources are among the cons. Some of the author's citations have diminished the book's credibility.

Keywords: Hussain Ibn Musa (AS), Tabas, Tabas Shrines, Monshibashi Tabasi, Mohammadreza Azhari.

پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامهٔ علمی (مقالهٔ علمی ـ پژوهشی)، سال ۲۱، شمارهٔ ۱۲، اسفند ۱۴۰۰، ۳ - ۲۵

بررسی کتاب حسین بن موسی (ع) زندگانی، شخصیت، آرامگاه

محمّد باقری*

سعید طاوسی مسرور**

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی کتاب *حسین بن موسی (ع) زندگانی، شخصیّت، آرامگاه* تألیف علی اخوان‌مهدوی پرداخته است. بررسی این کتاب به صورت انتقادی و با استناد به منابع گوناگون عرضه شده است. نویسندهٔ کتاب از تحلیل مطالب کتب انساب و حدیث به خلاّقیت‌های مهمّی دست یافته است چنان که از خلال بررسی پیشینهٔ پژوهش این نوشتار می‌توان سطح بالاتر این کتاب نسبت به آثار پیشین با موضوع پژوهش را دریافت؛ امّا با وجود این، نوشتار حاضر، نخست، این اثر را معرّفی و چهارچوب شکلی و محتوایی آن را توصیف و بررسی و سپس، هم در مورد شکل و هم در مورد محتوا اشکالات و پیشنهادهایی را ارائه کرده است. بررسی کتاب اخوان مهدوی نشان داد که اگر چه این کتاب مزایای متعدد دارد و بر آثار پسین نوشته شده در این موضوع، موثر بوده است اما کاستی‌هایی چون نبود پیشینهٔ پژوهش و نقد منابع، استفادهٔ اندک نویسنده از منابع حدیثی و رجالی و ضعیف بودن برخی استنادات نویسنده از اعتبار کتاب کاسته است.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)،
m84bagheri@gmail.com
** استادیار گروه شیعه‌شناسی و فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران،
saeed.tavoosi@atu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳



کلیدواژه‌ها: حسین بن موسی (ع)، طبس، مزارات طبس، منشی‌باشی طبسی، محمّدرضا اظهری.

۱. مقدمه

کتاب *حسین بن موسی الکاظم (ع)، زندگانی، شخصیت، آرامگاه*، اثر علی اخوان‌مهدوی تألیفی ارزشمند دربارهٔ حسین بن موسی بن جعفر (ع) است که توانسته ابهامات زیادی را دربارهٔ وی روشن سازد. محقّق با شیوه‌ای استدلالی و با بهره‌گیری از متون مختلف در حدّ توان توانسته سیر منطقی زندگانی حسین بن موسی را بررسی و تجزیه و تحلیل نماید. در این پژوهش شیوهٔ توصیفی‌تحلیلی و رویکردی انتقادی به کار گرفته شده است و هدف آن ارزیابی تلاش علمی نویسندهٔ اثر اخیر و نشان دادن جنبه‌های ارزشمند علمی و نیز زمینه‌هایی است که نیازمند تلاش بیشتر خواهد بود.

آنچه در این مقاله دربارهٔ ارزیابی اثر مذکور و بیان کاستی‌های آن مطرح شده است به هیچ وجه به منزلهٔ زیر سوال بردن نویسنده یا کاستن از ارزش علمی اثر نویسنده نیست بلکه توجّه به این نکته است که هر اثر علمی می‌تواند نقاط ضعفی داشته باشد و تلاش ناقدان بر آن است که با دیدگاهی علمی و به دور از موضع‌گیری، برخی کاستی‌های کتاب را روشن سازند. در این مختصر، ابتدا پیشینهٔ پژوهش، سپس معرّفی اثر و مؤلف آن و درنهایت بخش اصلی مقاله که ارزیابی کتاب نویسنده است، آمده است. لازم به یادآوری است که لفظ نویسنده اشاره به نویسنده کتاب دارد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

نخستین پژوهش دربارهٔ امامزاده حسین بن موسی الکاظم (ع) با نام «امامزادهٔ طبس» را محمّدرضا اظهری در شماره ۳۳ و ۳۴ مجلهٔ *نامهٔ آستان قدس* در سال ۱۳۴۷ش به چاپ رسانده است. (اظهری، ۱۳۴۷: ۱۳۹ـ۱۴۵) اظهری مقالهٔ خود را با تشریح موقعیت جغرافیایی بنای امامزاده، جایگاه امامزاده در میان مردم طبس و شهرهای اطراف آغاز کرده سپس به تشریح بنا، راهروها، نقاشی‌ها، گچبری‌ها، ایوان‌ها، صحن امامزاده و کتیبهٔ موجود در امامزاده پرداخته‌است. با توجّه به ویرانی کلّی شهر طبس در زلزلهٔ بزرگ سال ۱۳۵۷ش و طبعاً تخریب بقعهٔ امامزاده، توصیفات اظهری از بنای امامزاده حائز اهمیت است. وی

در ادامه روایات شفاهی موجود میان مـردم دربـارهٔ امـامزاده را گـرد آورده اسـت (بـاقری و ثنایی، ۱۳۹۷: ۲۱۰). در این مقاله برای اوّلین بار از نامهٔ منسوب به امام رضـا (ع) خطـاب بـه حاکم طبس یاد شده است. اظهری این نامـه را از نسـخهٔ خطـی *دیـوان منشـی باشـی* نقـل کرده است. (اظهری، ۱۳۴۷: ۱۴۳) با آنکه گویا قصد اظهری صـرفاً نقـل ایـن خبـر بـوده و خود در عباراتی کوتاه در اصالت آن تردید کرده است (همان، ۱۴۰ـ۱۴۱) اما در آثـار پـس از اظهری این نامه به عنوان سندی مهم از زندگانی حسین بن موسـی تلقـی شـده و بـه بسـط آن پرداختند. باید توضیح داد که این نامه، نامه‌ای است مجعول که به امـام رضـا (ع) نسـبت داده شده و اشکالات سندی و محتـوایی بسـیاری دارد (بـرای آگـاهی از ارزیـابی سـندی و محتوایی این نامه، رک: باقری و ثنایی، ۱۳۹۷: ۲۰۷–۲۲۵).

دوّمین پژوهش دربارهٔ امامزادهٔ طبس در سال ۱۳۷۷ با عنوان *حسین بن موسی(ع) ستارهٔ پرفروغ آسمان کویر* به سفارش موسسهٔ آستانهٔ حسین بن موسی الکاظم(ع) به وسیلهٔ بـزرگ عالم‌زاده در پنج فصل انجام شده است. عالم‌زاده در این کتاب به جایگاه اهل بیت (ع)، ظلـم و ستم‌های امویان و عبّاسیان نسبت به ایشان، بازشناسی زندگانی حسین بن موسی بر اسـاس نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس، گزارش‌های کوتاهی از منابع انسـاب، ذکـر چنـد حـدیث روایت شده از حسین بن موسی، تاریخچهٔ آرامگاه، اهمیت زیارت و معرّفی شهرستان طـبس پرداخته است. همو در مقالهٔ «برادر امام رضا (ع)؛ یادگاری از سلالهٔ پیـامبر (ص) در طـبس»، خلاصه ای از مطالب کتاب را عرضه کرده است (عالم‌زاده، ۱۳۷۷–۱۳۷۸: ۴۶–۴۷). همـو در سال ۱۳۸۲ به سفارش امور فرهنگی آستانهٔ مبارکهٔ حضرت حسین بن موسی الکـاظم (ع) در کتابی با عنوان «نوری منیر در افق کویر» خلاصه‌ای از کتاب پیشین را ارائـه داده اسـت. تنهـا مطالب جدید این کتاب نسبت به کتاب پیشین معرفی چند تن از علمای مـدفون در آرامگـاه امامزاده، معرّفی‌مجتمع‌های بین راهی و ذکر دو کرامت از امامزاده است.

در کتاب نخست، عالم‌زاده، تنها هفت صفحه به زنـدگانی حسـین بـن موسـی پرداختـه (عالم‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۱–۵۸) و در کتاب دوّم نیز تنها چهار صفحه به ایـن موضـوع اختصـاص داده اسـت (عـالم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۵–۲۸). آثـار یادشـده برپایـهٔ نامـهٔ مجعـول منتسـب بـه امام رضا (ع) خطاب به حاکم طبس نوشته شده و در حقیقت نویسنده همـان نامـه را بسـط داده است. در ارزیابی آثار عالم‌زاده باید گفت که این آثار، آثاری صـرفاً توصـیفی و از ارزش علمی کمی برخوردارند. برای نمونه سه فصـل از پـنج فصـل کتـاب نخسـت اصـلاً ارتبـاط

مستقیمی با زندگانی حسین بن موسی ندارد. فصل های یک، چهار و پنج که به ستم‌های خاندان‌های حکومتگر بر اهل بیت، جایگاه زیارت و معرّفی طبس اختصاص دارد. در فصل دوّم نیز نویسنده هفت صفحه به زندگانی حسین بن موسی پرداخته سپس به معرّفی تاریخچهٔ آرامگاه پرداخته و فصل سوّم را به معرّفی آرامگاه اختصاص داده که صحیح آن بود که تمام مطالب مربوط به بنای آرامگاه در یک فصل ذکر می‌شد. در کتاب دوّم نیز تنها چهار صفحه به زندگانی حسین بن موسی اختصاص دارد و بقیه مطالب کتاب تا حدّ بسیار زیاد، مشابه مطالب کتاب نخست و در حقیقت شکل مختصر آن است.

چندین کتاب دیگر نیز به وسیلهٔ ادارهٔ آستان حسین بن موسی الکاظم منتشر شده که همهٔ آنها سفارشی و برای مخاطب عمومی نوشته شده و تقریباً همهٔ آنها رایگان بین زائران آرامگاه امامزاده طبس پخش می‌شود. باید گفت که این آثار از ارزش علمی بسیار کمی برخوردارند و بدون نوآوری و سخن جدیدی هستند. همگی این آثار دنباله‌رو آثار عالم‌زاده هستند و از نظر علمی از آن‌ها نیز ضعیف‌ترند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود: *ره‌آورد زیارت در میقات الرضا*، *حسین بن موسی الکاظم پرتوی از نور ولایت*، *حسین بن موسی الکاظم (ع) کوکب آستانهٔ خورشید پسر نازدانه توحید*، *گنجینهٔ راز، از میقات تا میعاد؛ راهنمای زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و حضرت حسین بن موسی الکاظم (ع)*، *از میقات تا مشهدالرضا؛ پنجره‌ای به سوی رضوان*، *زیبایی‌هایی از کلام امام رضا (ع) به‌همراه معرفی آستان مبارک حضرت حسین بن موسی الکاظم (ع)*، *از میقات الرضا (ع) تا مشهد الرضا (ع) پنجره‌ای به سوی رضوان، به سوی نور*، *از نگین فیروزه ای کویر تا گنبد زرین منیر*، *رایحه ای از بهشت راهنمای زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و حضرت حسین بن موسی الکاظم*، *نگین کویر در میقات الرضا (ع) شرحی بر زندگی حضرت حسین بن موسی الکاظم (ع) برادر حضرت امام رضا (ع)* و *جلوهٔ مهر خدا طبس میقات‌الرضا*.

از دیگر آثار دربارهٔ امامزادهٔ طبس که به صورت مستقل منتشر شده، کتاب *گمشدهٔ بنی‌هاشم، خورشید نورانی کویر عشق، حسین بن موسی بن جعفر (ع)* اثر محمّدرضا دهدست است. نویسنده در این کتاب به ذکر فرزندان امام موسی الکاظم (ع)، تولّد حسین در سال ۱۷۸ق، قیام فخ، ذکر یک حدیث دربارهٔ حسین بن موسی، هجرت امام رضا (ع) از

مدینه به مرو، هجرت حسین بن موسی از مدینه به طبس، نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس، آرامگاه حسین بن موسی و معرّفی شهرستان طبس پرداخته است.

نویسنده بر اساس نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس به بسط مطالب درباره حسین بن موسی پرداخته است. از جهتی نیز این کتاب را می‌توان بازنویسی شده آثار عالم‌زاده دانست. باید گفت این کتاب در داستان‌پردازی چند گام جلوتر از آثار عالم‌زاده رفته است. نویسنده پس از دو صفحه از آغاز کتاب از قیام حسین شهید فخ سخن گفته و مهاجرت حسین بن موسی به طبس را به خاطر انتقام قیام فخ دانسته است (دهدست، ۱۳۸۴: ۹–۱۰). باید توضیح داد که قیام فخ در سال ۱۶۹ق در نزدیکی مکه رخ داده (طبری، ۱۴۰۳: ۱۹۵–۸/۱۹۸) اما هیچ مطلبی از قیام حسین بن موسی به صورت مستقل یا حداقل شرکت وی در قیامی در منابع تاریخی منعکس نشده است.

این کتاب را باید رمانی تاریخی دانست تا کتاب علمی در زمینه تاریخ نگاری. برای نمونه درباره مهاجرت حسین بن موسی به طبس نوشته است: «این که در این راه پر مشقت چه سختی ها و مصیبت هایی به ایشان رسیده، خارج از این نوشته است ولی بدیهی است که در بین راه تعدادی از آنها فوت می کنند و یا در درگیری با سپاهیان حکام منصوب از طرف بنی عبّاس به شهادت می رسند» (دهدست، ۱۳۸۴: ۱۶–۱۷). این در حالی است که در منابع انساب از حسین بن موسی به عنوان مفقود یاد شده (عبیدلی، ۱۴۱۳: ۱۶۶؛ مروزی، ۱۴۰۹: ۲۱–۲۲) که بیانگر این است که از سرگذشت وی اطّلاع دقیقی نزد نسب‌شناسان نبوده و هیچ یک از منابع سخنی از همراهان و کیفیت مهاجرت ارائه نکرده‌اند.

امینی و برقی در مقالهٔ «طبس وارث میراث فرهنگی»، به معرّفی مختصر شهر طبس، توضیح زندگانی حسین بن موسی بر اساس نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس و معرّفی آرامگاه پرداخته‌اند (امینی و برقی، بی‌تا: ۲۶–۲۷). مقالهٔ حاضر مقاله‌ای صرفاً توصیفی است و مطلبی افزون بر آثار پیشین ارائه نکرده است. محمّدرضا بارانی و سیدیاسین زاهدی، در مقالهٔ «شرح حال پنج تن از فرزندان امام کاظم (ع)» به بررسی زندگانی چند تن از فرزندان امام کاظم (ع) از جمله حسین پرداخته است. ابتدا به ذکر چند روایت از حسین بن موسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته، سپس به بررسی مزارات منسوب بدو پرداخته است. از این میان مزارهای شیراز، کوفه، دزفول و طبس را به اختصار بررسی کرده و در نهایت به این

نتیجه رسیده که به احتمال قوی مزار حسین بن موسی در طبس است (بارانی و زاهدی، ۱۳۹۰: ۳۸–۴۵).

در پایان این بخش باید خاطر نشان کرد که پس از انتشار کتاب اخوان مهدوی دو همایش دربارهٔ حسین بن موسی در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ برگزار شد که هر کدام به‌صورت جداگانه مجموعه مقالات برگزیدهٔ همایش را در کتابی چاپ کردند. در این دو کتاب به وضوح شاهد تأثیرپذیری نویسندگان مقالات از آرای اخوان مهدوی هستیم.

۳. معرفی نویسنده و کتاب

۱.۳ معرفی نویسنده (نقد و تحلیل خاستگاه کتاب)

آشنایی اجمالی با نویسندهٔ اثر برای شناسایی رویکردهای او در تألیف و همچنین نتایج و استنتاجات کتاب می‌تواند موثّر باشد (یوسفی‌فر و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳۲). اخوان‌مهدوی از پژوهش‌گران بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی است که سال‌هاست در آن‌جا مشغول فعالیت علمی و پژوهشی است. از اخوان مهدوی دو مقاله در پیوند با این کتاب چاپ شده: نخستین مقاله با عنوان «ستاره‌ای در کویر؛ گزارشی از زندگی حسین بن موسی(ع)» ده سال پیش از چاپ کتاب منتشر شده و در آن به معرّفی مختصر حسین بن موسی پرداخته است (اخوان‌مهدوی، ۱۳۸۲: ۸–۹). مقالهٔ دوّم با عنوان «کنکاشی پیرامون آرامگاه‌های منسوب به حسین بن موسی الکاظم (ع)» که در آن سه مزار شیراز، کوفه و طبس، یعنی مهم‌ترین مزارات منتسب به حسین بن موسی را بررسی کرده است. مطالب این مقاله به جز بخشی از مطالب مربوط به مزار کوفه شکل مختصر شده مطالب کتاب است و به جز چند مورد خاص دربارهٔ نقد مزار کوفه، سخنی افزون بر مطالب کتاب ندارد. (اخوان مهدوی، ۱۳۹۵: ۴۱۳–۴۳۳). از او دو کتاب دیگر نیز منتشر شده است؛ یکی باعنوان *آیین‌های حرم مطهّر رضوی* با همراهی رضا نقدی در سال ۱۳۹۶ و آن دیگری با عنوان *شهر اسلامی دوستدار کودک* با همراهی علی اسماعیل‌زاده در سال ۱۳۹۸.

۲.۳ معرفی کتاب

کتاب *حسین بن موسی (ع) زندگانی، شخصیت، آرامگاه* اثر علی اخوان‌مهدوی است که در سال ۱۳۹۲ به وسیلهٔ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سه هزار نسخه منتشر شد. کتاب مشتمل بر دیباچه، پیشگفتار، چهار فصل، نمایه، تصاویر و نقشه‌هاست. شایان ذکر است این کتاب در بخش سیره و تاریخ رضوی (خاندان) هفتمین کتاب سال رضوی برگزیده شد.

دیباچهٔ کتاب به قلم محمّدرضا راشد محصّل، استاد بازنشستهٔ گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، است. نویسنده در پیشگفتار به اهمیت و آسیب‌شناسی پژوهش درباره امامزادگان، معرّفی کتاب، تقدیر و تشکّر پرداخته است. فصل اوّل به شرح مختصر زندگانی، فرزندان و چگونگی شهادت امام کاظم (ع)، نقل یازده روایت منقول از حسین بن موسی و شش روایت منسوب به وی و بررسی بعضی از آن‌ها اختصاص دارد.

در فصل دوّم، به دلایل مهاجرت امامزادگان، بخصوص مهاجرت حسین بن موسی پرداخته شده سپس از کتاب تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری (نوشته محمّدمهدی فقیه بحرالعلوم) مطالب مربوط به مدفن‌های حسین بن موسی آمده است. نویسنده سپس به بررسی روایات پیرامون دفن حسین بن موسی در شیراز، نقد نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس، تجزیه و تحلیل مطالب کتب انساب دربارهٔ حسین بن موسی پرداخته و در خاتمه دلایل خود مبنی بر دفن حسین بن موسی در طبس را ارائه داده است.

در فصل سوّم، تاریخچهٔ آرامگاه حسین بن موسی در سه دوره: از آغاز تا اواخر قرن پنجم هجری، از قرن پنج تا سال ۱۳۵۷ و از ۱۳۵۷ تا زمان نگارش کتاب بررسی شده، هم‌چنین سازمان و تشکیلات امامزاده از دورهٔ تولیت خانوادهٔ متولّی‌حقی تا واگذاری آن به آستان قدس رضوی و شرح فعالیّت‌های این سازمان تا زمان نگارش کتاب آمده است. پایان‌بخش این فصل سه شعر در مدح حسین بن موسی از باقی شهرضایی، ملاعلی متخلص به قنبر، از شاعران محلّی طبس و میرزامحمّدعلی منشی‌باشی، دبیر دیوان رسائل آخرین حاکمان خاندان عرب‌شیبانی طبس، است. در فصل چهارم به طور مختصر به جغرافیای تاریخی طبس پرداخته است. موقعیت جغرافیایی، وجه تسمیه، جمعیت، آب و هوا، کشاورزی و معادن، محصولات، جاذبه‌های زیارتی و گردشگری شهرستان مهم‌ترین مطالب این فصل است.

۴. نقد کتاب

۱.۴ نقد ویژگی‌های صوری و ساختار کتاب

صفحه‌آرایی استاندارد کتاب، قطع کتاب، فونت و اندازهٔ قلم همانند دیگر کتب این انتشارات، کاملاً مناسب انتخاب شده است و همین طور، طراحی جلد کتاب. کتاب با قلم مناسبی نوشته شده و ویراستاری آن به خوبی انجام گرفته و غلط‌های املایی چندانی در متن دیده نمی‌شود و تمام قواعد نگارشی و ویرایشی به جز چند مورد در متن رعایت شده است. مثلاً می‌توان به استفاده از همزه به جای «ی» در کلمات مضاف و مضاف‌الیه اشاره کرد. همچنین فهرست تفصیلی مطالب کتاب از نقاط قوت کتاب است.

یکی از نکاتی که در بیشتر کتاب‌های تاریخی، چندان رعایت نمی‌شود نبود تصاویر و طرح‌های مناسب و باکیفیت در چنین کتاب‌هایی است. خوش‌بختانه یکی از نقاط قوّت اصلی این اثر وجود تصاویر و طرح‌های بسیار باکیفیت و رنگی است که متناسب با متن و بر کیفیت کتاب افزوده است. اما در این بخش صرفاً از مزار طبس تصاویری تهیه شده که بهتر بود تصاویری از دیگر مزارات منسوب به حسین بن موسی نیز تهیه می‌شد. هم‌چنین این بخش مشتمل بر تصاویر، نقشه‌ها و پلان‌های آرامگاه است که بهتر بود هر یک در بخش مستقلی می‌آمد.

نمایه یکی از بخش‌های بسیار مهم کتاب‌های علمی محسوب می‌شود که در این کتاب لحاظ شده است. اما صرفاً کتاب دارای یک نمایه با نام عمومی «نمایه» است که نمایه اشخاص و مکان‌ها را دربر می‌گیرد و جای خالی نمایهٔ گروه‌ها و قبایل، آیات، احادیث، اشعار، کتاب‌ها و... خالی است. ضمناً برخی از اعلام دوبار درج شده مثلاً میرزاعلی منشی‌باشی دو بار (صفحهٔ ۱۵۸) به صورت مجزّا آمده که باید یک بار ذکر می‌شد و صفحاتی که این نام آمده است در پی آن می‌آمد. ضمناً برخی از اعلام اشخاص در نمایه درج نشده مثلاً نام هیچ یک از همسران، فرزندان و نوادگان حسین بن موسی که در منابع انساب و حدیث درج شده و نویسنده در کتاب خود آنها را ذکر کرده، در بخش نمایه نیامده است.

نکتهٔ دیگر دربارهٔ شکل صوری و چهارچوب کتاب تقسیم حجم کلّی کتاب بر تعداد فصل‌های آن است. با وجود اینکه نویسنده تلاش کرده تا حجم کلی کتاب را به‌طور مساوی بر تعداد فصول در نظر گرفته شده در کتاب تقسیم کند به نظر می‌رسد

چندان موفق نبوده است. مثلاً فصل نخست ۱۹ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و فصل چهار فقط ۱۳ صفحه، اما فصل دوّم ۴۷ صفحه و فصل سوّم ۴۶ صفحه را شامل می‌شود.

نکتهٔ دیگری که در ساختار کتاب وجود دارد، عدم ارتباط مستقیم فصل چهار کتاب، جغرافیای شهرستان طبس، با موضوع کتاب است. چنانچه اگر این فصل حذف شود، هیچ خللی به فهم دیگر مطالب کتاب وارد نمی‌کند. در کتاب‌های مهمی نظیر *طبس شهری که بود* (دانش‌دوست، ۱۳۶۹) و *جغرافیای تاریخی طبس* (امینی، ۱۳۸۵) به تفصیل به معرّفی شهرستان و جاذبه‌های تاریخی و گردشگری آن پرداخته شده است. تمام مطالبی هم که نویسنده در این فصل گردآوردی نموده از تحقیقات جدید و سایت‌های اینترنتی است و خود در این زمینه با استفاده از منابع دست اوّل تاریخ‌نگاری تحقیق نکرده است. صحیح آن بود که نویسنده در پیشگفتار کتاب چند کتاب که در زمینه تاریخ طبس نوشته شده را ذکر می‌کرد و خوانندگان کنجکاو دربارهٔ تاریخ و تمدّن طبس را بدان‌ها ارجاع می‌دادند.

نکتهٔ دیگر اینکه میزان نظم منطقی مطالب کتاب و چینش مطالب فصل‌ها چندان مناسب نیست. به طور کلی چینش مطالب کتاب دچار درهم ریختگی است چنانچه در بسیاری موارد نمی‌توان نظر نویسنده در یک موضوع را در یک جا دید. مثلاً مطالب نویسنده دربارهٔ بررسی مزار کوفه، از جمله مزارات منسوب به حسین بن موسی، در فصل یک (صفحهٔ ۲۱)، فصل دو (صفحهٔ ۴۲ و صفحهٔ ۴۵) بدون عنوان مجزّا و در ذیل مطالب دیگری آمده که خواننده مجبور است برای آگاهی از نظرات نویسنده، تمام کتاب را مطالعه کند. همچنین عنوان‌های فرعی کتاب اندک است. مثلاً در ذیل عنوان «فضاهای بیرونی» سه تن از مشاهیر مدفون در آرامگاه معرفی شده که باید ذیل عنوان فرعی پیشنهادی همچون «معرفی برخی از مشاهیر مدفون در آرامگاه» قرار می‌گرفت.

نکتهٔ دیگری که در فصل‌بندی کتاب وجود دارد یک دست نبودن مطالب موجود در درون هر فصل و هم‌خوانی نداشتن عنوان با مطالب ذیل آن است. مثلاً در فصل نخست کتاب عنوان «نسب و خاندان» ذکر شده اما تنها به زندگی‌نامهٔ مختصر امام کاظم (ع) در دو صفحه اشاره شده است. در حالی که عنوان صحیح آن «پدر» بود. همچنین در تیتر دیگری در همان فصل با عنوان «بررسی روایات» به مادر، محل و زمان تولّد حسین بن موسی پرداخته که تیترهای صحیح و جداگانهٔ آن «مادر» و «محل و زمان تولّد» باید می‌بود.

هم‌چنین در همین فصل، نویسنده به تجزیه و تحلیل حدیثی پرداخته که با مبحث مدفن حسین بن موسی در کوفه هم‌خوانی دارد. صحیح آن بود که نویسنده در ذیل بررسی مزار کوفه، از جمله مزارات منتسب به حسین بن موسی، حدیث یادشده را بررسی می‌کرد.

در انتهای فصل سوّم کتاب که اختصاص به تاریخچهٔ آرامگاه و توسعهٔ آن در طول تاریخ دارد سه شعر که در مدح حسین بن موسی سروده شده ذکر شده است. صحیح آن بود که نویسنده در فصلی جداگانه تمامی اشعار سروده شده دربارهٔ امامزاده را گردآوری می‌کرد. ذکر این سه شعر در این فصل سنخیتی با دیگر مطالب این فصل ندارد.

در مجموع بر اساس اطّلاعات موجود در کتاب صحیح آن بود که کتاب در سه فصل تنظیم می‌شد: فصل نخست: شخصیّت حسین بن موسی و بررسی مزارات منتسب بدو، فصل دوّم: آرامگاه حسین بن موسی، فصل سوّم: مدایح حسین بن موسی که البته نیاز بود تمام اشعار در این باره گردآوری می‌شد. مطالب فصل یک و دو کتاب پیوستگی بسیاری دارد و صحیح آن بود که این دو فصل در قالب یک فصل تدوین می‌شد. چنان‌چه پیش‌تر اشاره شد مطالب فصل چهار ارتباط مستقیمی با کتاب ندارد و لازم است حذف شود.

از دیگر مزایای کتاب، معرفی مناسب آن در پشت جلد است که سیمای کلی کتاب و چهار فصل آن را به‌خوبی به مخاطب می‌شناساند اما متاسفانه یک اشتباه ویرایشی دارد که باید اصلاح شود و آن، این که نوشته «نسابه شناسان» که درست آن «نسب شناسان» است. البته این اشتباه از متن کتاب (ص ۶۷) به پشت جلد سرایت کرده است.

۲.۴ نقد محتوایی کتاب

۱.۲.۴ مزایای کتاب

مطالعه در خصوص حسین بن موسی با مشکلات عدیده روبرو است؛ از یک سو، منابع اندکی دربارهٔ این موضوع در دسترس است و از سوی دیگر تحقیقات جدید نیز عموماً به بازنویسی مطالب یکدیگر پرداخته‌اند. تقریباً پژوهشگرانی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند از مطالعهٔ همه جانبهٔ زندگانی حسین بن موسی عاجز بوده‌اند و نویسندهٔ حاضر نخستین فردی است که با نگاه انتقادی به منابع، موفّق شده تصویری نسبتاً جامع از حسین بن موسی ارائه دهد. نویسندهٔ کتاب تلاش زیادی انجام داده است که پاسخی منطقی برای بسیاری از

مجهولات دربارهٔ حسین بن موسی ارائـه کنـد و در مـوارد زیـادی هـم موفّـق بـوده اسـت. نویسنده از خلال بررسی و تدقیق در گـزارش‌هـای منـابع بـه نکـات نـو و تـازه رسـیده و خلّاقیت‌های او در این تحقیق کم نیست. اقلاً در موارد زیادی ذهن مخاطـب را بـه تـدبّر در بعضی موضوعات وامی‌دارد. می‌توان ادعا کرد نویسنده نخستین اثر قابل قبول درباره حسـین بن موسی را ارائه کرده است.

نکتهٔ دیگر این‌که به لحاظ بی‌طرفی علمی و ارزش‌گذاری‌های شخصی، نویسـندهٔ کتـاب با وجود طبسی بودن، بی‌طرفی را در مباحث رعایت کرده و تـا جـایی کـه امکـان داشـته از ارزش‌داوری به دور بوده و با زبانی خنثی مزار دقیق حسین بن موسی را بررسی کرده است. این خویشتن‌داری و متانت در بررسی مزارات معمولاً موضوعی است که از چشـم بـیش‌تـر نویسندگانی که در این زمینه قلم می‌زنند، به دور مانده، اما این اثر تا انـدازهٔ زیـادی در مهـار این کشش درونی موفّق بوده است.

۲.۲.۴ کاستی‌های کتاب

با وجود ارزشمند بودن کتاب اخـوان مهـدوی در مـواردی کـه ذکـر شـد و برخـورداری از تحلیل‌های نو دربارهٔ حسین بن موسی، اشکالات متعدّدی در کتاب وجود دارد کـه در ادامـه بدان اشاره می‌شود:

۱.۲.۲.۴ جای خالی پیشینهٔ پژوهش و نقد منابع

یکی از موضوعاتی که در هر تحقیقی، بدیع و روشـمند بـودن آن را مـی‌رسـاند، پیشـینهٔ تحقیق است. اهمیت این بخش به آن دلیل است که کمتر موضوعی است که هیچ پژوهشـی دربارهٔ آن انجام نشده باشـد (ملاّیـی‌تـوانی، ۱۳۸۶: ۹۴). در کتـاب، جـای پیشـینهٔ پـژوهش خالی است و مطلب چندانی از سوی نویسنده در این خصوص ذکر نشده است. این مطلـب در حالی است که پیش از این کتاب، چندین کتاب و مقاله دربارهٔ حسین بن موسی تألیف یـا تدوین شده است. تنها نویسنده در بعضی موارد و به صـورت مـوردی در لابـلای فصـل‌هـا مثلاً در میانهٔ کتاب در صفحهٔ ۶۶ به نقد بعضی از تحقیقات جدید پرداختـه اسـت. در حـالی که لازم بود در بخش مستقلی در آغاز کتاب به پیشینهٔ پژوهش پرداخته می‌شد. نویسـنده، در صـورت ارائـهٔ چنـین مطالعـاتی و ذکـر نقـاط قـوت و ضـعف آن منـابع، برجسـتگی‌هـا و نوآوری‌های کار خود را روشن می‌ساخت.

به لحاظ منبع‌شناسی، کتاب مفید است و منابع ذکر شده نیز موضوع مورد بحث نویسنده را به خوبی پوشش می‌دهد. البته از برخی از منابع اصلی و معتبر در موضوع مورد بحث استفاده نشده در حالی که انتظار می‌رود چنین متنی، با بهره‌گیری از همهٔ منابع اصلی مربوط به موضوع نوشته شده و در منابع نیز مشخصات آنها ارائه شده باشد تا خوانندگان مبتدی بدانند که در کدام کتاب‌ها می‌توانند راجع به موضوع مورد مطالعهٔ خود مطالبی به‌دست آورند؛ کتاب‌های معروف و معتبری چون *تاریخ اهل بیت نقلاً عن الائمه*، *الانوار فی نسب آل النبیّ المختار*، *تذکرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمه*، *کتاب المعقبین من وُلد الامام امیرالمومنین*، *المجدی فی انساب الطالبیین*، *سراج الانساب*، *النفحة العنبریة فی انساب خیرالبرّیه*، *جمهرة انساب العرب*، *قرب الاسناد*، *بصائرالدرجات*، *علل الشرایع*، *تاریخ بغداد*، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، *فضائل امیرالمومنین*، که حاوی اطّلاعات مهمی دربارهٔ موضوع کتاب هستند، از دید نویسنده مغفول مانده است. همچنین نقد منابع دست اوّل در کتاب وجود ندارد. شایسته بود نویسنده در فصل مستقلی به نقد منابع و پیشینهٔ پژوهش می‌پرداخت.

هم‌چنین نویسنده هیچ توضیح اجمالی دربارهٔ نویسندگانی که از آنها مطلبی نقل کرده، ارائه نکرده حتی سال تولّد یا وفات آنها را نیز ذکر نکرده و همگی را به آگاهی تاریخی مخاطبان واگذار کرده است. شاید برای اهل تاریخ چندان ضروری نباشد، اما برای غیر اهل تاریخ این کتاب چندان آگاهی در این زمینه به دست نمی‌دهد.

۲.۲.۲.۴ استفادهٔ اندک نویسنده از منابع حدیث و رجال

نویسنده فصل دوّم را با مهاجرت حسین بن موسی آغاز کرده در حالی که در فصل نخست به پدر، مادر، خواهران و برادران حسین پرداخته است. خوانندهٔ غیر متخصّص پس ورود به فصل دوّم می‌پندارد که اطّلاعات دیگری دربارهٔ وی وجود نداشته که نویسنده بلافاصله پس از بحث دربارهٔ خانواده به مهاجرت و به‌تبع آن بررسی مزارات منتسب بدو پرداخته است. در حالی که با تجزیه و تحلیل احادیثی که حسین بن موسی راوی آنها بوده اطّلاعات ذی‌قیمتی از نوجوانی، جوانی، اعتقادات، کیفیت ارتباط وی با امامان زمانش به‌دست می‌آید. نویسنده بدون بررسی این مسائل بلافاصله دربارهٔ چرایی مهاجرت

حسین بن موسی سخن گفته است. در حالی که باید ابتدا به این مسائل مهم می‌پرداخت تا ذهن خواننده آماده شود، سپس به مهاجرت و چرایی آن می‌پرداخت.

همچنین نویسنده در فصل نخست تمام احادیث حسین بن موسی را استخراج نکرده و برای حسین بن موسی هفده روایت برشمرده که یازده روایت را از حسین بن موسی بن جعفر (ع) دانسته و باقی اسانید مشتمل بر نام حسین بن موسی را مربوط به راوی دیگری با تشابه اسمی دانسته است (صص ۲۹ – ۳۴). بر خلاف اخوان مهدوی، شیخی‌زازرانی شمار احادیث حسین بن موسی را بیست‌وهفت حدیث دانسته است (برای آگاهی بیش‌تر رک: شیخی‌زازرانی، ۱۳۹۴: ۱۳۷–۱۷۸). همچنین نویسنده صرفاً در منابع انساب در پی یافتن فرزندان و نوادگان حسین بن موسی بوده و از متون حدیثی غافل بوده در حالی که در منابع حدیثی نیز از فرزندان وی سخن گفته‌اند (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۱/۵۶؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۳۲). در مجموع باید گفت که نویسنده آن گونه که باید از منابع حدیثی استفاده نکرده است.

نویسنده از منابع رجالی نیز بهرهٔ چندانی نبرده است. راویان مهمی همچون احمد بن محمّد بن عیسی اشعری رییس القمیین، محمّد بن خالد برقی، محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم بن موسی بن جعفر مکنی به ابوعلی، محمّد بن اورمه قمی و عبدالله بن جعفر حمیری بی‌واسطه از وی روایت کرده‌اند و محدثانی چون حسین بن احمد بن ادریس، احمد بن محمّد بن خالد برقی، ابوالحسن علی بن محمّد بن بندار قمی و احمد بن محمّد بن سعید معروف به ابن عقده و... نیز از حسین بن موسی با واسطه حدیث روایت کرده‌اند (جندقیان، ۱۳۹۴: ۴۵۲–۴۵۴؛ شیخی‌زازرانی، ۱۳۹۴: ۱۴۷–۱۵۰). بررسی راویان مهم حسین بن موسی راهگشای حیات علمی حسین بن موسی و شاگردان وی خواهد بود.

درباره منابع رجالی و حدیثی باید توجه داشت که می‌توان آن‌ها را از منابع تاریخی دانست زیرا منبع تاریخی هر متنی است که بتوان از آن استفاده تاریخی کرد نه صرفا کتب رسمی تاریخ (نک. الویری، ۱۳۹۸: ۱۹۶ – ۱۹۷، ۲۱۷ – ۲۳۲؛ پاکتچی، ۱۳۹۲: ۲۷ – ۲۸؛ جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۰ – ۲۶). البته استفاده تاریخی از منابع حدیثی، رجالی، ادبی، لغوی، جغرافیایی و... نیازمند دقت نظرهای معمول در دانش تاریخ در نقد بیرونی و نقد درونی گزارش‌هاست (رک. حضرتی، ۱۳۹۰: ۴۹–۵۸؛ برای آگاهی بیشتر رک. پاکتچی، ۱۳۹۷، سراسر اثر).

۳.۲.۲.۴ اشتباه در سال تولّد و وفات حسین بن موسی

نویسنده معتقد است حسین بن موسی در سال ۱۷۸ق، یک سال پیش از زندانی شدن امام کاظم (ع)، متولّد شده به همین خاطر وی را در شمار آخرین فرزندان امام کاظم (ع) ذکر کرده است (صفحهٔ ۱۹). در حالی که با توجّه به احادیث روایت شده از حسین بن موسی، وی در دورهٔ حیات پدرش، امام موسی کاظم (ع)، در دورهٔ نوجوانی به سر می‌برده و احتمالاً در دههٔ شصت قرن دوّم هجری متولّد شده است (برای آگاهی بیشتر رک: باقری و ثنایی، ۱۳۹۷: ۲۱۸–۲۱۹).

همچنین نویسنده معتقد است حسین بن موسی سال ۲۰۳ق وفات یافته‌است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۶۸). باید گفت بر اساس منابع انساب، حدیث و رجال، تنها منابعی که از حسین بن موسی سخن گفته‌اند، سال وفات حسین بن موسی را نمی‌توان به‌دست آورد و این سخن نویسنده بدون اعتبار است.

۴.۲.۲.۴ ضعیف بودن برخی استنادات نویسنده

از جمله دلایل نویسنده مبنی بر دفن حسین بن موسی در طبس وجود وقف‌نامه از سال ۶۲۴ق به بعد است (اخوان‌مهدوی،۱۳۹۲: ۷۹، ۱۱۴–۱۱۵). در حالی که نویسنده، متن هیچ یک از وقف‌نامه‌ها را ذکر نکرده که بتوان از آن به دست آورد که این وقف‌نامه‌ها به حسین بن موسی اشاره دارند. همچنین بر فرض اینکه در این وقف‌نامه‌ها نام حسین بن موسی ذکر شده باشد دلیلی محکم مبنی بر وجود مزار حسین بن موسی در طبس نیست. به‌علاوه صرف ذکر نام حسین بن موسی دلیل نمی‌شود که منظور حسین پسر امام کاظم (ع) است.

از نکات قابل تأمّل در اطّلاعات وقف‌نامه‌هایی که نویسنده ذکر کرده، وقف‌نامه‌ای است بدین شرح: «چهار سهم از کل دوازده سهم روستای جَمز، توسط امیراسماعیل گیلکی در سال ۷۲۶ق برای تأمین روشنایی امامزاده». باید گفت خاندان امیرگیلکی که اسماعیلی مذهب بودند نزدیک به دو سده در طبس حکومت کردند که مهمترین حاکم آن امیراسماعیل گیلکی (حک: حدود ۴۹۳– حدود ۵۰۰ق) بوده که جزو حاکمان مهم و موثّر زمانهٔ خود محسوب می‌شده است (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۲۶: ۵۰). سال وقفِ وقف‌نامه یادشده ۷۲۶ق است که دو سده با زمان زندگانی امیراسماعیل گیلکی فاصله دارد.

هم‌چنین نویسنده دربارهٔ دیگر موارد وقف شده نوشته است: «میاه و اراضی بشرویه (۵۰ سهم آب و اراضی آن) توسّط میرسیدعبدالحق گورسرخی در سال ۶۲۴ق برای مصارف متفرّقه. تمام روستای مَلوَند توسط میرسیدعبدالحق گورسرخی در سال ۶۳۷ق برای تأمین غذای خدّام.» سپس چند خط بعد نوشته است: «دو قطعه زمین با ۳۶ فنجان آب در روستای دِیهشک، توسط میرسیدعبدالحق گورسرخی در سال ۷۲۶ق برای غذای فقرا در شب جمعه.» باید گفت سال نخستین وقف ۶۲۴ق با سوّمین وقف به وسیلهٔ میر سید عبدالحق گورسرخی صدودو سال فاصله است. اگر نخستین وقف را در پنج سالگی گورسرخی بدانیم و سوّمین وقف را صدوهفت سالگی وی باز هم پذیرش آن بسیار بعید است.

از جمله دیگر دلایل نویسنده مبنی بر دفن حسین بن موسی در طبس قدمت آرامگاه و کتیبه‌هایی است که در آنجا نصب بوده و متعلّق به قرن پنج هجری است (اخوان‌مهدوی، ۱۳۹۲: ۷۸–۷۹). باید گفت بسان وقف‌نامه‌هایی که نویسنده بدان اشاره داشته قدمت بنای آرامگاه و کتیبه‌های آن دلیلی محکم بر وجود مزار حسین بن موسی در طبس نیست. افزون‌بر این در متن کتیبه‌ها از حسین بن موسی نیز ذکر نشده است. بلکه اصلی ترین دلیل بر وجود مزار حسین بن موسی در طبس، اطّلاعات منابع انساب است چرا که از بررسی اطّلاعات این منابع می‌توان دفن حسین بن موسی در طبس را برداشت کرد (ابن طباطبا، ۱۳۸۸: ۲۱۸–۲۱۹؛ ابن عنبه، ۱۳۸۳: ۲۴۱).

۵.۲.۲.۴ قابل گسترش بودن تحلیل‌های نویسنده

نویسنده در بسیاری موارد از تحلیل محتوا بهره گرفته و نتایج مناسبی عرضه کرده است اما برخی از مطالب تحلیلی کتاب امکان گسترش داشته که نویسنده از انجام آن خودداری کرده مثلاً در نقد نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس، می‌توانست دلایل بیشتری ذکر کند. برای نمونه ذکر نشدن نامهٔ یادشده در هیچ کدام از منابع تاریخی، رجالی، حدیثی و... متقدّم بر کتاب منشی‌باشی که در سدهٔ ۱۴ق نوشته شده‌است. با توجه به نقش برجستهٔ امام رضا(ع) در دورهٔ اقامت ایشان در خراسان به عنوان ولیعهد خلیفه، انتظار می‌رود که منابع متقدّم از آن یاد کرده‌باشند؛ ولی جای تعجب است که اولین بار منشی‌باشی در سدهٔ ۱۴ق ذکری از آن به میان آورده است (باقری و ثنایی، ۱۳۹۷: ۲۱۵). یا

این‌که نام عامر بن زروامهر به عنوان حاکم طبس در زمان مأمون در هیچ منبع تاریخی و غیرتاریخی پیش از منشی‌باشی تا سدهٔ ۱۴ق ذکر نشده است (همان: ۲۱۸).

نویسنده، از میان مزارات منتسب به حسین بن موسی صرفاً سه مزار را بررسی کرده و دربارهٔ دیگر مزارات پیرو فقیه بحرالعلوم بوده و به آثار وی ارجاع داده و خود تحقیق نکرده است. از این میان مزار کوفه را بسیار مختصر بررسی کرده و در بررسی مزار شیراز نیز صرفاً به رد انتساب حسین بن موسی بن جعفر (ع) به این مزار پرداخته و درصدد آگاهی از هویت حقیقی شخصیت مدفون در مزار بر نیامده است. در حالی که نسب‌شناس معاصر، سید عبدالرزاق کَمّونه نجفی (۱۳۹۰.۱۳۲۴ق) ظاهراً براساس اطّلاعات منابعی چون *الانساب المشجره*، قبر منسوب به حسین بن موسی در شیراز را از آن حسین بن اسحاق بن موسی (ع) دانسته است. به نوشتهٔ کمونه، جمال‌الدین گرگانی در حاشیهٔ خود بر *بحر الانساب المشجر* قبر حسین بن اسحاق بن موسی را در شیراز دانسته است (کمونه، ۱۳۸۹: ۱۶۱؛ نیز نک. محسنی، ۱۳۹۲: ۵۷ – ۵۸؛ برای آگاهی بیشتر، رک: باقری و ثنایی، ۱۳۹۹: ۳۷–۵۸).

لازم به ذکر است نویسنده دربارهٔ مزار حسین بن موسی در روستای زرگ، در چهل‌وپنج کیلومتری طبس، از جمله مزارات منتسب به حسین بن موسی، نیز تحقیق نکرده و در فصل چهارم کتاب در ذیل معرفی جاذبه‌های طبس صرفاً آن را معرفی کرده و نوشته «برخی اهالی معتقدند که این مزار، مدفن حسین بن موسی بن جعفر است، ولی هیچ گونه دلیل و مدرکی این ادّعا را تایید و اثبات نمی‌کند و همهٔ منابع بر وجود مدفن حسین بن موسی در شهر طبس دلالت دارد» (صفحهٔ ۱۳۹–۱۴۰) در حالی که نیاز بود دربارهٔ شخصیت مدفون در این مزار تحقیق و در فصل دوم کتاب ارائه می‌کرد.

همچنین نویسنده به زندگی حسین بن موسی در عراق اشاره ای نکرده است. در حالی که نگاهی به راویان حسین بن موسی به خوبی نشان می‌دهد که وی بخشی از عمر خویش را در عراق به سر برده است و محدثان بزرگ قم که به عراق رفته‌اند، روایات ایشان را نقل می‌کنند. خصوصاً محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم که بیشترین روایات حسین بن موسی را نقل می‌کند و بنا به گزارش خطیب بغدادی در بغداد ساکن بوده و از حسین بن موسی حدیث شنیده است (شیخی‌زازرانی، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

۶.۲.۲.۴ اشکالات پاورقی‌ها و کتاب‌نامه

- گاه مطالب طرح شده بدون نشانی و ارجاعی از منبع اصلی آن‌ها آمده اند مانند صفحهٔ ۱۶ که در توضیح لقب‌های عبد صالح و باب‌الحوائج به جای ارجاع به منابع نخستین و متقدّم نشانی آن را از دائرةالمعارف تشیع، از تحقیقات جدید، آمده است. یا این‌که در صفحهٔ ۴۰ هنگام سخن از درخواست امام رضا (ع) از خواهران و برادران برای پیوستن به ایشان نیز به جای ارجاع به منابع نخستین به کتاب بزرگ عالم‌زاده، از تحقیقات جدید، ارجاع داده شده است.
- در پاورقی و به تبع آن در کتابنامه، نویسنده به مدخل‌های دانشنامه‌ها و مقالات ارجاع نداده بلکه به خود دانشنامه‌ها و نشریات ارجاع داده در حالی که صحیح آن ارجاع به نویسنده یا نویسندگان آن مدخل یا مقاله است. این در حالی است که هنگام ارجاع به کتاب ها، به شیوهٔ مرسوم ارجاع دادن، نام خانوادگی نویسنده و نام کتاب و شمارهٔ جلد و صفحه آمده است.
- اسامی کتاب‌ها در کتابنامه هیچ کدام برجسته نشده و برخی ایرانیک شده و برخی دیگر به همان شکل مانده و با بقیه مشخصات کتابشناختی تمایزی ندارند.
- در کتابنامه نویسنده، تاریخ گزیده را در ذیل حمدالله مستوفی ذکر کرده در حالی که باید با نام خانوادگی نویسندهٔ آن یعنی مستوفی ذکر می‌کرد. همچنین در متن کتاب صفحهٔ ۴۸ از مستوفی صرفاً با عنوان «حمدالله» یاد کرده در حالی که باید از نام خانوادگی وی استفاده می‌کرد. همچنین کویرهای ایران را در ذیل سون هدین ذکر کرده در حالی که باید ابتدا نام خانوادگی نویسنده ذکر می‌شد: «هدین، سون و...».
- نویسنده از یک نسخه خطی و یک سند استفاده کرده اما معرفی این دو منبع در کتاب‌نامه، کامل و دقیق نیست.
- نویسنده برای همهٔ آنچه نقل کرده ارجاعات آن را ارائه نکرده است نظیر یکی از اشکالاتی که بر نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس ذکر کرده: «پسری از اولاد قریش به نام حسین مفقود شده و به طور روشن اسمی از حسین برادر امام رضا (ع)

درمیان نیست» (صفحهٔ ۶۴) که نخستین بار محمّدرضا اظهری بدان اشاره کرده است (اظهری، ۱۳۴۷: ۱۴۲).

- مروری بر کتابنامه نشان می‌دهد که نویسنده در برخی موارد، مثلاً *المقالات والفرق*، *فرق الشیعهٔ* و *سفرنامه ابن بطوطه* به جای اصل منابع به ترجمهٔ آن‌ها مراجعه کرده است در حالی که لازمهٔ یک کار پژوهشی جدّی در این باره، رجوع به منابع به زبان اصلی خصوصاً در منابع عربی است.

۷.۲.۲.۴ دیگر اشکالات محتوایی

- شایسته بود در پیشگفتار با عنوان‌گذاری مباحث مربوط به اهداف کتاب: اهداف کلّی، جزئی، شیوهٔ پژوهش و تنظیم اثر، ضرورت و اهمیت، ویژگی‌های متمایز این اثر و...، به روشنی بحث می‌شد.
- نویسنده سخنی از شیخ مفید دربارهٔ فرزندان امام کاظم (ع) نقل کرده که «برای هریک از فرزندان حضرت موسی بن جعفر (ع) فضیلت و منقبتی جداگانه و مشهور است و حضرت رضا (ع) در فضیلت مقدم بر دیگران بود» (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۲۴۴). به نظر می‌رسد این تعبیر شیخ مفید دربارهٔ فرزندان امام کاظم (ع) قابل‌خدشه است. چرا که امام رضا (ع) از عملکرد برخی برادران خود رضایت نداشتند. برای نمونه زید در بصره، خانه‌های بنی‌عباس را به آتش کشید و اعمالی مرتکب شد که نارضایتی امام رضا (ع) را در پی داشت. همچنین بعضی دیگر از برادران آن حضرت که از میان آن‌ها نام عباس بن موسی مشخصاً ذکر شده است؛ پس از شهادت پدر نزد قاضی مدینه از امام رضا (ع) به خاطر اموال و دارایی‌های پدر و اختیارات گسترده‌ای که امام کاظم (ع) به امام رضا (ع) به عنوان جانشین خود داده بود، اعتراض کرده، تلاش نمودند از اختیارات وصیّ پدر بکاهند. لذا در توجیه عبارت شیخ مفید بهتر است گفته شود: مقصود ایشان بیشتر فرزندان امام کاظم (ع) است (اشتری‌تلخستانی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۷۱–۷۲).
- نویسنده در بسیاری از موارد که مطالب منابع دسته اوّل را نقل کرده هم متن عربی آن را ذکر کرده و هم ترجمهٔ فارسی آن. در حالی که صحیح آن است که ترجمهٔ فارسی در متن کتاب بیاید و متن عربی در پاورقی.

- نویسنده به صورت اجمالی به معرّفی چند وقف‌نامه و تاریخ وقف آنها اشاره کرده است. در حالی که نیکوتر آن بود که در فصلی مستقل یکایک وقف‌نامه‌های آرامگاه را بازخوانی می‌کرد. نکتهٔ جالب توجّه این است که نویسنده هیچ یک از وقف‌نامه‌ها را ندیده و منبع وی نه وقف‌نامه‌ها، بلکه مقالاتی است که گزارشی از آن وقف‌نامه‌ها ارائه کرده‌اند. در حقیقت نویسنده به منابع دست اوّل توجّه نکرده و به منابع دست دوّم و تحقیقات جدید ارجاع داده است.
- در فصل سوم، آرامگاه حسین بن موسی، تنها به پنج تن از مشاهیر مدفون در آرامگاه اشاره شده، در حالی که چه پیش از زلزلهٔ شهریور سال ۱۳۵۷ و چه پس از آن مشاهیر بسیاری در آنجا دفن شده‌اند که از جملهٔ آنها می‌توان به حاکمان و صاحب‌منصبان سلسلهٔ محلی عرب‌شیبانی طبس مثلاً عمادالملک، میرزاابوالقاسم‌خان، سردار مکرم، همگی از حاکمان این سلسله (امینی، ۱۳۸۵: ۶۷)، بزرگان شهر، شهدای جنگ تحمیلی و... اشاره کرد. لازم بود حدّاقل در جدولی نام این افراد ذکر می‌شد.
- یکی از جنبه‌های مثبت آثار علمی به ویژه در حوزهٔ علوم انسانی و تاریخ بهره‌گیری از ابزاری چون جدول، نمودار، طرح‌های هندسی و سخن گفتن به زبان غیر نوشتاری است. از ضعف های این اثر و نقصان هایی که می‌توان در این گونه از آثار مشاهده نمود عدم توجّه نویسنده به این موارد است. به ویژه نویسنده در خصوص معرّفی فرزندان و نوادگان حسین بن موسی می‌توانست از طرح‌های هندسی شجره‌نامه‌ای استفاده کند و با زبان غیر متنی بیان دارد تا به درک واضح‌تری از فرزندان و نوادگان حسین بن موسی رهنمون شود. همچنین در معرّفی مزارات منسوب به حسین بن موسی و هویت حقیقی شخصیت مدفون در آنها نیز می‌توانست از جدول استفاده کند و با زبان غیر متنی سخن خویش را بیان کند.
- در ص ۶۸ کتاب این عبارت عبیدلی (۳۳۸ – ۴۳۶): «و بالطبسین قوم یقولون: انّهم من الموسویین، و انّهم من ولد المفقود» به این شکل ترجمه شده که «در طبس گروهی معتقدند که از موسویین هستند؛ آنها از فرزندان مفقودند». این ترجمه درست نیست زیرا انتساب به مفقود هم مورد ادّعای آن افراد بوده است نه این که عبیدلی خود آن را پذیرفته باشد. در ادامه نویسنده از این عبارت نتیجه گرفته که بقعهٔ حسین بن موسی در طبس دارای تاریخی کهن است ولی ربط منطقی بین این جمله

و این نتیجه وجود ندارد اما نویسنده می‌توانست از عبارتی که ابن‌طباطبا (م ۴۴۹) در *منتقلة الطالبیة* نوشته، چنین نتیجه‌ای بگیرد زیرا ظاهراً این جمله که «یقولون: الحسین بن موسی الکاظم المقیم بطبس و مات هناک وقبره بها» قدیمی‌ترین اشاره به مزار حسین بن موسی در طبس است که البته چون با قید «یقولون» بیان شده، معلوم نیست که مورد پذیرش ابن طباطبا قرار گرفته باشد.

- نویسنده به کتاب *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری* نوشتهٔ فقیه‌بحرالعلوم مراجعه کرده و از آن بسیار استفاده کرده است اما به کتاب *هزار مزار ایران- استان یزد* که نوشتهٔ همین نویسنده است، مراجعه نکرده و این یکی از مهم‌ترین نقایص کار اوست زیرا فقیه‌بحرالعلوم در این اثر مفصلاً به مزار منسوب به حسین بن موسی در طبس پرداخته است (فقیه‌بحرالعلوم، ۱۳۸۹: ۵۸-۷۳).
- شایسته بود توضیح کلمات تخصّصی معماری مانند ازاره، ساقه، مقرنس، ترنج و... در پانوشت ذکر می‌شد.
- شایسته بود اِعراب‌گذاری اسامی و امکنهٔ خاص و کتاب‌ها صورت می‌گرفت.
- نبودن قسمتی با عنوان نتیجه‌گیری در پایان کتاب را می‌توان از ضعف‌های کتاب دانست که باعث می‌شود مخاطب در برخی موارد به جمع‌بندی کلّی در مورد برخی مباحث مطرح در کتاب نرسد. همچنین کتاب فاقد پیشنهاد پژوهش است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش‌گران ایرانی با اینکه از سال‌های دور به پژوهش‌های متعدّدی پیرامون حسین بن موسی (ع) پرداخته‌اند، اما کتابی جامع در این حوزه نگاشته نشده بود. این خلأ محسوس را کتاب *حسین بن موسی، زندگانی، شخصیت، آرامگاه* تألیف علی اخوان‌مهدوی به نوعی پر کرده است؛ زین روی گام نهادن نویسنده در این میدان را می‌بایست ارج نهاد که آثار بسیاری در این زمینه مطالعه کرده است و اطّلاعات ارزشمندی به مخاطب می‌دهد. از نظر شکلی، کتاب با قلم مناسبی نگاشته شده و جز کاستی‌های معدود، به طور کلی ویراستاری آن به خوبی انجام گرفته و قواعد ویرایشی در آن رعایت شده است. حروف‌نگاری و صحافی کتاب نیز مطلوب است و صفحه‌آرایی آن به نسبت خوب و به‌قاعده انجام

یافته است. با این حال، در کتاب کاستی‌های چندی مشاهده می‌شود که از آن جمله می‌توان به جای خالی پیشینهٔ پژوهش و نقد منابع در کتاب، استفادهٔ اندک نویسنده از منابع حدیث و رجال، اشتباه در سال تولّد و وفات حسین بن موسی، ضعیف بودن بعضی استنادات نویسنده، قابل گسترش بودن تحلیل‌های نویسنده، اشکالات پاورقی‌ها و کتابنامه اشاره کرد. امید است که این مقاله علاوه بر کمک به نویسنده برای بازنگری و تکمیل کتاب خود، محل رجوع پژوهشگرانی باشد که در آینده قصد پژوهش درباره حسین بن موسی بن جعفر (ع) و مزار منسوب به وی در طبس را دارند.

کتاب‌نامه

ابن‌طباطبا، ابراهیم بن ناصر، (۱۳۸۸)، ***منتقلة الطالبیة***، به کوشش سید محمّد مهدی سیدحسن خرسان، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة.

ابن عنبه، جمال‌الدین احمد، (۱۳۸۳)، ***عمدةالطالب فی انساب آل ابی‌طالب***، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: انتشارات کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی.

اخوان‌مهدوی، علی، (۱۳۸۲)، «ستاره‌ای در کویر؛ گزارشی از زندگی حسین بن موسی (ع)»، ***زائر***، شمارهٔ ۱۰۹، صص۸-۹.

اخوان‌مهدوی، علی، (۱۳۹۲)، ***حسین بن موسی الکاظم؛ زندگانی، شخصیت، آرامگاه***، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

اخوان‌مهدوی، علی، (۱۳۹۵)، «کنکاشی پیرامون آرامگاه های منسوب به حسین بن موسی الکاظم(ع)»، ***ذکر جمیل؛ یادنامه دکتر مهدی جلیلی***، به اهتمام دکتر مهدی مجتهدی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۴۱۳-۴۳۳.

اشتری‌تلخستانی، امیر و ابراهیم گودرزی، (۱۳۹۴)، «واکاوی شخصیت و روایات حسین بن موسی(ع) در منابع»، ***مجموعه مقالات برگزیدهٔ کنگرهٔ ملی امامزادگان با محوریت حسین بن موسی الکاظم (ع)***، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، صص ۶۷-۸۸

اظهری، محمّدرضا، (۱۳۴۷)، «امامزادهٔ طبس»، ***نامهٔ آستان قدس***، شمارهٔ ۳۳ و ۳۴، صص ۱۳۹-۱۴۵.

اقبال آشتیانی، عبّاس، (۱۳۲۶)، «تحقیقات تاریخی»، ***یادگار***، سال ۳، شماره ۹، صص ۴۹-۶۳.

الویری، محسن، (۱۳۹۸)، تاریخ اجتماعی شیعیان، قم/تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه/سمت.

امینی، محمود و برقی، سعید، (بی‌تا)، «طبس وارث میراث فرهنگی»، ***زائر***، سال ۳، شمارهٔ ۳، صص ۲۶–۲۷.

امینی، محمود، (۱۳۸۵)، ***جغرافیای تاریخی طبس***، یزد: نیکوروش.

بارانی، محمّدرضا و سیدیاسین زاهدی، (۱۳۹۰)، «شرح حال پنج تن از فرزندان امام کاظم (ع)»، فصلنامهٔ سخن تاریخ، سال۵، شمارهٔ ۱۲، صص۳۶–۶۱.

باقری، محمّد و حمیدرضا ثنایی، (۱۳۹۷)، «بررسی سندی و محتوایی نامهٔ امام رضا (ع) به حاکم طبس»، ***فصلنامهٔ فرهنگ رضوی***، شمارهٔ ۲۲، صص۲۰۷–۲۲۵.

باقری، محمّد و حمیدرضا ثنایی، (۱۳۹۹)، «واکاوی گزارش‌ها دربارهٔ دفن امامزاده حسین بن موسی(ع) در شیراز»، ***فصلنامهٔ فرهنگ رضوی***، شمارهٔ ۳۲، صص۳۷–۵۸.

پاکتچی، احمد، (۱۳۹۱)، ***روش‌شناسی تاریخ***، تنظیم و ویرایش: صالح زارعی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

پاکتچی، احمد، (۱۳۹۷)، ***نقد متن***، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

جعفریان، رسول، (۱۳۹۱)، *حیات فکری‌سیاسی امامان شیعه*، تهران: نشر علم.

جندقیان، محمّدمهدی، (۱۳۹۴)، «جایگاه علمی حدیثی حسین بن موسی‌الکاظم در دوران حضور اهل بیت»، ***مجموعه مقالات برگزیدهٔ کنگرهٔ ملی امامزادگان با محوریت حسین بن موسی الکاظم (ع)***، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، صص ۴۴۷–۴۶۴.

حرّعاملی، محمّد بن‌حسن، (۱۴۰۹)، ***وسائل‌الشیعه***، قم: موسسهٔ آل‌البیت.

حضرتی، حسن، (۱۳۹۰)، ***روش پژوهش در تاریخ‌شناسی***، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

خزاز رازی‌قمی، علی بن محمّد، (۱۴۰۱)، ***کفایةالاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی‌عشر***، تحقیق عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار.

دانش‌دوست، یعقوب، (۱۳۶۹)، ***طبس شهری که بود***، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

دهدست، محمّدرضا، (۱۳۸۴)، ***گمشدهٔ بنی‌هاشم***، بی‌جا: بی‌نا.

شیخی‌زازرانی، داود، (۱۳۹۴)، «واکاوی روایات حسین بن موسی بن جعفر در کتب فریقین»، ***مجموعه مقالات برگزیدهٔ کنگرهٔ ملی امامزادگان با محوریت حسین بن موسی‌الکاظم (ع)***، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، صص ۱۳۷–۱۷۸.

طبری، محمّد بن جریر، (۱۴۰۳)، ***تاریخ الامم و الملوک***، بیروت: الاعلمی. -عالمزاده، بزرگ، (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، «برادر امام رضا (ع)؛ یادگاری از سلالهٔ پیامبر (ص) در طبس»، ***زائر***، سال ۵، شمارهٔ ۱۱، اسفند و فروردین، صص ۴۶-۴۷.

عالم‌زاده، بزرگ، (۱۳۷۷)، ***حسین بن موسی(ع) ستارهٔ پرفروغ آسمان کویر***، مشهد: به‌نشر.

عالم‌زاده، بزرگ، (۱۳۸۲)، ***نوری منیر در افق کویر***، طبس: امور فرهنگی آستانهٔ مبارکهٔ حضرت حسین بن موسی‌الکاظم(ع).

عبیدلی، ابوالحسن محمّد، (۱۴۱۳)، ***تهذیب‌الانساب و نهایةالاعقاب***، تحقیق محمّدکاظم محمودی، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی‌نجفی.

فقیه‌بحرالعلوم، محمّدمهدی، (۱۳۸۹)، ***هزار مزار ایران- استان یزد***، قم: وثوق.

کمونه، عبدالرزاق، (۱۳۸۹)، ***آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین***، ترجمهٔ عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم.

محسنی، مصطفی، (۱۳۹۲)، ***خورشید درخشان ساوه***، قم: زائر.

مروزی‌ازوارقانی، اسماعیل بن حسین، (۱۴۰۹)، ***الفخری فی انساب الطالبیین***، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی‌نجفی.

مفید، محمّد بن محمّد، (۱۴۱۳)، ***الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، قم: کنگرهٔ شیخ مفید.

مفید، محمّد بن محمّد، (۱۳۴۶)، ***الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیه.

ملایی‌توانی، علیرضا، (۱۳۸۶)، ***درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ***، تهران: نی.

یوسفی‌فر و دیگران، «نقدی بر کتاب پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: جستارهایی در تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران»، ***ماهنامهٔ پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی***، سال هجدهم، شمارهٔ ۱۰، صص ۳۲۵-۳۵۹.